

عنوان مقاله:

مغلطه تاثیر عاطفی در بازنمایی تاریخ نگرشی انتقادی بر تاریخ نگاری شهاب الدین نسوی در سیرت جلال الدین و نفثه المصدور

محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 20، شماره 67 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

حبیب الله عباسی - استاد دانشگاه خوارزمی

الهه عظیمی یان چشمه - دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

خلاصه مقاله:

اهمیت و اعتبار حوادث تاریخی را قوه تشخیص مورخ تعیین می کند و از آنجا که مورخ تحت تاثیر امور درونی و مقتضیات زمانه خود می باشد عینیت‌ترین باز نماینده‌های تاریخی کم و بیش به پیش داوری های و نگرشهای عاطفی مورخان آلوده است در این جستار، در پی کندو کاو شیوه تاریخ گویی شهاب الدین نسوی در دو اثر تاریخی او هستیم که ه ردو شرح حکومت خوارزمشاهیان و ذکر احوال حمله تاتار است. سیرت جلال الدین نسبت به نفثه المصدور کمتر دستخوش احساسات و انقلابهای عاطفی مولف شده است و به همین دلیل شیوه تاریخ نگویی آن، علمی تر و عینی تر و به همان میزان، نثرش ساده تر و زبان روایی آن بهنجارتر است این در حالی است که در نفثه المصدور نسوی بیشتر از آنکه دغدغه بیان حقایق و واقایع را داشته باشد درگیر احساسات شاه پرستانه مصایب عاطفی و نیز در قید عبارت پردازی و تکلفات زبانی است به همین سبب، بیش از آنکه گزارش دهد، توصیف می کند و تحلیل تاریخی او نقدی عاطفی می نماید این مسیله به پرسش اصلی پژوهش منجر می گردد که به چه میزان و کم و کیفی تعصبات و تاثیرات عاطفی نسوی در بازگویی وقایع و عینیت تاریخی مطالب آن دخالت و سرایت داشته است برای این منظور با دو شاخصه زبان و روایت به چونی و چرایی مسیله پرداخته ایم.

کلمات کلیدی:

روایت، نثر تاریخی، تاریخ نگاری، نقد عاطفی، نفثه المصدور، سیرت جلال الدین، شهاب الدین نسوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/646214>

